

## تحلیل فقهی آثار تربیتی اجتماعی مجازات‌ها\*

□ عبدالله گوهری طالع \*\*

### چکیده

هدف از مجازات در نظام کیفری اسلام، تنها حذف و یا واداشتن مجرم به ترک جرم، نیست، بلکه هدف از تشریح و اجرای آن، بازدارندگی، تربیت و تشویق دیگران و اجتماع نیز هست. این بُعد از مجازات‌ها اگرچه در فقه به صورت پراکنده مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به اهمیت و نقش تربیت و بازدارندگی در صلاح و سعادت اجتماعی، لازم است به صورت متمرکز و پرننگ، بررسی و تحلیل شود. در این نوشتار تلاش شده آثار مجازات‌ها با رویکرد فقهی - تربیتی، گزارش و تحلیل شود. البته مجازات‌ها در نظام کیفری اسلام به سه بخش، تقسیم می‌شود؛ حدود، قصاص و تعزیرات. مستندات نشان می‌دهد در تمام این موارد، یکی از هدف‌ها حفظ نظم، امنیت و صیانت از حریم اجتماعی است. واژگان کلیدی: مجازات‌های کیفری، تربیت، مصلحت اجتماعی، حیات مردم، نظم و امنیت.

---

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۴/۴؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱/۲۹.

\*\* دکتری گروه علمی فقه تربیتی، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران..  
gohari.tale@gmail.com

## مقدمه

مجازات‌ها از دیدگاه فقه، خواه در مرحله تشریح و خواه در نحوه اثبات و اجرای آن‌ها، دارای یک سلسله اهداف و مصالح فراگیر و همیشگی است که در راستای رشد و کمال انسان‌ها در ساحت زندگی فردی و اجتماعی، قابل تبیین است. این آثار، گاهی ناظر بر اصلاح مجرم (و یا کسانی که قصد و یا انگیزه ارتکاب جرم را دارند) و گاهی ناظر به افراد جامعه و مصلحت اجتماع است اما در هر حال، مانند دیگر ابعاد شریعت، فراگیر و جاودانه است. تأکید بر جاودانگی و فراگیری مجازات‌ها بر اساس پیوند ملاکات و مصالح آن‌ها با سعادت انسان، در واقع پاسخ به شبهات و ادعاهایی مانند تساهل در اسلام و یا تاریخ‌مندی احکام جزایی اسلام است. برخی با استفاده از آموزه‌های اخلاقی سهله و سمحه بودن دین را در مقابل نظام کیفری آن، برجسته می‌کنند. برخی هم بر اساس مصلحت‌سنجی‌های غیر کارشناسی شده، نظام کیفری را به صورت گزینشی، اجرا می‌کنند. برخی هم تجربیات بشری در حوزه قانون‌گذاری را در حوزه فقه تعمیم می‌دهند تا ضرورت هماهنگی نظام کیفری اسلام با حقوق بشر و قوانین بین‌المللی را توجیه کند. به‌گمان آن‌ها، احکام جزایی اسلام متناسب با شرایط زندگی مردم عصر نزول، خشن و غیر قابل انعطاف، تشریح شده است و تفاوت زندگی در جوامع معاصر، زمینه کارآیی و اجرایی آن نظام را سلب کرده است.

به طور قطع، اشراف بر جزئیات مصالح احکام و به‌ویژه در حوزه مجازات‌ها بسیار دشوار و بلکه با خرد بشری ناممکن است، اما نقش آثار و مصالح اجتماعی مجازات‌ها در جهت بازدارندگی و رشد اجتماعی ملموس است. بررسی ابعاد احکام و نظام کیفری اسلام از این منظر، از موضوعات میان‌رشته‌ای است که با تکیه بر منابع اصیل اسلامی یعنی قرآن و سنت و بهره‌گیری از عقل و تجربه، به‌بررسی اسرار، بررسی می‌شود و حکمت‌ها و پیامدها و آثار تربیتی احکام فقهی تبیین خواهد شد. هدف از بررسی این موضوع با این روی‌کرد «کوششی عقلانی متکی بر واقعیات برگرفته از قرآن، سنت، عقل و تجربه به‌منظور بررسی علل، اسرار و حکمت‌های احکام و ارائه آثار و نتایج تشریح و التزام عملی به احکام فقهی، با روی‌کرد تربیتی است» (بناری،

بنابراین، منظور از تحلیل آثار تربیتی - اجتماعی مجازات‌ها، تمرکز بر نقش بازدارندگی، تنبیه و مجازات‌ها نسبت به افراد و مصلحت کلی جامعه است. مجازات‌ها در اسلام، از زاویه بازدارندگی آن‌ها، به مثابه روش‌های تربینی و اسلامی، مطالعه شده است. بُن‌مایه‌های این نوع نگاه به مجازات اگرچه در ادله و دیدگاه‌های فقهی، مطرح شده، اما آن گونه که باید برجسته و به صورت منسجم، مطالعه و ارزیابی نشده است. مجازات‌ها در نظام کیفری اسلام متنوع‌اند، لذا آثار تربیتی آن‌ها نیز در سه بخش، بررسی و تحلیل می‌شود:

### مجازات‌های حدی

مجازات‌های حدی در فقه، شامل قتل، قطع عضو، تازیانه، نفی بلد، حبس، تراشیدن سر و تشهیر می‌شود. قتل در مجازات‌های حدی در زنای با محارم، زنای محصنه، لواط، تکرار زنا، سرقت، تفخیز، مساحقه و شرب خمر<sup>۱</sup> و نیز در تکرار قذف<sup>۲</sup> بر مجرم اجرا می‌شود.

قطع عضو، مجازات سارقی<sup>۳</sup> است که به مقدار نصاب (ربع دینار) با شرایطی (در حرز بودن و...) که برای مال دزدیده شده در فقه گفته شده، دزدی کند و نیز مجازات محاربی (قطع دست و پا) است که بر روی مردم سلاح بکشد و مال مردم را بگیرد.

تازیانه، مجازاتی است که برای زنای غیر محصن، تفخیز، بوسیدن پسر بیچه (توسط مردی که در احرام است)، مساحقه (صدتازیانه)، قذف و شرب مسکرات (هشتاد تازیانه)، زنای بردگان اعم از محصن و غیر محصن (پنجاه تازیانه)، کسی که زن مسلمان دارد و بدون اذن او با زن ذمی ازدواج کند (داورده و نیم تازیانه) و قواد بنا بر مشهور (۷۵ تازیانه) اجرا می‌شود.

نفی بلد در فقه برای محاربه است. اگر کسی بر روی مردم سلاح بکشد تا آن‌ها را بترساند، حد آن نفی بلد و تبعید از شهر محل اقامتش به مکان دیگر است.

حبس ابد، برای دزدی است که دو مرتبه سرقت کرده و در هر مرتبه حد نیز بر او جاری شده باشد. در زندان مخارج او از بیت المال، پرداخته می‌شود.

۱. سه بار که در هر مرتبه بر مجرم حد جاری شده باشد، در مرتبه چهارم مجازات او قتل است.

۲. دوبار که در هر مرتبه بر مجرم حد جاری شده باشد، در مرتبه سوم مجازات او نیز قتل است.

۳. در مرتبه نخست چهار انگشت دست راست و در مرتبه دوم پای چپ.

بنا بر یک قول مرد قواد افزون بر هفتاد تازیانه، سرش نیز تراشیده شده و در شهر در ملأ عام گردانده می‌شود (خویی، ۱۳۷۱: ۳۰۵/۱).

اجرای این دسته مجازات (مجازات‌های حدی) دارای چه اهدافی است و چه آثار تربیتی بر اجرای آن‌ها در سطح جامعه، مترتب است؟  
با تحلیل و بررسی سخنان فقیهان و نیز آیات و روایاتی که در زمینه اجرای مجازات‌های حدی وارده شده، دو هدف عمده، قابل تحلیل و بررسی‌اند: الف. حفظ نظم و امنیت جامعه؛ ب. پیش‌گیری از شیوع فساد.

### الف. حفظ نظم و امنیت جامعه

شارع مقدس برای تنظیم روابط سالم اجتماعی و حراست از ارزش‌های اساسی، هنجارها در جامعه و حمایت از حقوق و آزادی‌های اجتماعی، یک سلسله احکام و مقرراتی را وضع کرده که در صورت نقض آن‌ها، مجازات‌های قاطعی را در قالب مجازات‌های حدی تعیین کرده تا با اجرای این نوع مجازات، نظم و امنیت جامعه، متزلزل، نشود. قبل از اجرایی شدن این مجازات‌ها، شارع مقدس با جرم‌انگاری رفتارهایی که مستوجب این دسته مجازات، می‌شوند، در صدد آن است که از وقوع جرایم مستوجب حد، پیش‌گیری کند؛ اما اگر افرادی از این خطوط قرمز عبور کردند و مرحله پیچیده و توأم با اغماض اثبات جرایم در فقه پشت سر گذاشته شد و جرم آن‌ها مسجّل و اثبات شد، از باب «وَأَخِرُّ الدَّوَاءَ الْكَبِيرَ»؛ داغ کردن آخرین راه درمان است، برای حفظ نظم و امنیت جامعه، مجازات‌های سخت و رسواکننده‌ای بدنی - روانی، بر آن‌ها اعمال می‌شود. با توجه به نقش اجرای حدود در حفظ نظم و امنیت جامعه، فقها یکی از ادله مهم اجرای حدود در زمان غیبت را، حفظ نظام اجتماعی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶۱۹/۲) مقصود از حفظ نظام، گاهی حفظ حاکمیت اسلامی و ممانعت از اضمحلال آن توسط دشمنان خارجی اسلام است و گاهی هم مراد از آن حفظ نظم در درون جامعه اسلامی و برقراری انضباط میان مردم و نهادهای اجتماعی است (نائینی، تنبیه الامه: ۵؛ مهوری، مجله حکومت اسلامی، مقاله حفظ نظام: ۲۱/۲۰).

اجرای مجازات‌های حدی، ضامن دوام و بقای یک جامعه است. اگر حدود الهی در جامعه

اجرا نشود، جامعه را هرج و مرج، فراگرفته و حقوق مردم ضایع شده و مظالم فراوانی در جامعه رخ خواهد داد که دیگر، جان، مال، حیثیت و ارزش‌های دینی و انسانی افراد در امان نخواهد بود. با اذعان به این حقیقت، در ادامه، به چند نمونه از نقش حفاظتی اجرای حدود در جامعه اشاره می‌شود.

### ۱/ الف. نقش حفاظتی اعدام (قتل)

در مجازات‌های حدی، اعدام برای مجرمانی تعیین شده که جرایم جنسی تجاوز به‌عنف و زنا یا محارم را مرتکب شده‌اند یا کسی که برای مرتبه چهارم (در مرتبه‌های قبلی بر او حد جاری شده) به جرم زنا ساده گرفتار شده، محکوم به اعدام‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/۳۰۹، ۳۱۵ و ۳۳۱). زیرا این دسته مجرمان - با نقض نظم و ارزش‌های حاکم بر جامعه - افرادی به شدت ضداجتماعی‌اند و ظرفیت جامعه‌پذیری در آن‌ها نزدیک صفر است. بنابراین، برای ریشه‌کن کردن منشأ فساد و حفظ امنیت و آرامش جامعه، چاره‌ای جز اعدام و نابودی این دسته افراد نیست. برای کسی که عمل شنیع لواط را مرتکب می‌شود نیز در فقه مجازات اعدام در نظر گرفته شده است (همان: ۳۷۸). افرادی که آلوده به این عمل نابهنجار جنسی هستند، برای حفظ نسل و روابط سالم جنسی، خطرناک‌ترین مانع و تهدید به‌شمار می‌آیند. بنابراین، برای صیانت از حریم خانواده و حفظ نسل در جامعه، اعدام این دسته افراد، یک اقدام حفاظتی به‌شمار می‌آید.

### ۲/ الف. نقش حفاظتی تازیانه

در زنا غیر محصن، مساحقه و جرایم امثال آن در فقه، مجازات تازیانه در نظر گرفته شده است (شهید ثانی ۱۴۱۰: ۹/۱۰۲). زدن تازیانه (در مرتبه اول تا سوم) از یک‌سو، فرصتی است برای اصلاح و بازپروری مجرم تا از تکرار جرم، خودداری کند. این فرصت دادن نیز از آن جهت که از وقوع مجدد جرم پیش‌گیری می‌کند، در اصل نقش حفاظتی دارد و از دیگرسو، نشان‌گر قباحت عمل است که ناقض ارزش‌های جامعه دینی به‌شمار می‌آید و از این طریق، پیام اجتناب از این معصیت را برای افراد جامعه، منتقل می‌کند.

### ۳/ الف. نقش حفاظتی تبعید (نفی بلد)

تبعید نیز یکی از مجازات‌های حدی است. یکی از موارد اجرای این نوع مجازات در جایی

است که مرد دارای همسر، پیش از برقراری رابطه جنسی با همسرش، مرتکب زنا شود. هر چند بر چنین فردی مجازات زنا محصن اجرا نمی‌شود؛ اما افزون بر مجازات تازیانه، از محلی که در آن زندگی می‌کند در جای دیگر تبعید می‌شود (امام خمینی ۱۴۱۵: ۲/۴۶۴). تبعید در واقع یک اقدام حفاظتی است که زمینه وقوع جرم را از جامعه، برمی‌دارد، زیرا در مواردی حضور مجرم در یک محل، به دلایل مختلف خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، زمینه تکرار جرم فراهم می‌شود. برای حفاظت جامعه از وقوع مجدد جرم، باید فرد مجرم به محل دیگری تبعید شود. به هر صورت، نقش حفاظتی اجرای مجازات‌های حدی در جامعه انکار ناپذیر است و در حفظ نظم و امنیت جامعه نقش به‌سزایی دارد. با یک نگاه تربیتی، اجرای مجازات‌های حدی از نوع اقدامات تامینی - تربیتی و به عبارتی، تمهیدات تربیتی‌اند؛ یعنی در نظامات اجتماعی نظیر نظام اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره، یک سلسله اقداماتی صورت می‌گیرد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شخصیت و نگرش افراد تأثیرگذارند (اعرافی ۱۳۸۸: ۱۵/۲/۱۳۸۸). از آن‌جا که نظام کیفری اسلام به‌وسیله قانون‌گذار حکیم، طراحی شده است، اقداماتی که در آن گنجانده شده، از جمله اجرای مجازات‌های حدی، در شخصیت و نگرش افرادی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، تأثیرگذارند، حتا اگر خود افراد آن جامعه به‌آن آگاهی نداشته باشند. تأثیری که اجرای مجازات‌های مختلف حدی بر افراد یک جامعه می‌گذارد از سنخ تمهیدات تربیتی است، نه تربیت به معنای خاص. یعنی تغییر نگرش افراد و حس امنیت و آرامشی که در جامعه به‌دلیل اجرای مجازات رخ می‌دهد و رفتارهایی را که توجیه شرعی ندارند، جرم و ضد ارزش تلقی می‌کنند و افراد احساس امنیت جانی، مالی و حیثیتی می‌کنند، متأثر از اجرای این نوع مجازات است. هدف شارع مقدس نیز در طراحی نظام کیفری اسلام، ایجاد این حس و نگرش به افراد جامعه است.

### ب) پیش‌گیری از شیوع فساد

اجرای مجازات‌های حدی، از شیوع فساد در جامعه پیش‌گیری می‌کند. در فقه جزایی فساد به معنای عمل غیرمشروع و خلاف شرع بوده و به هر گونه اقدام بر معصیت، اطلاق می‌شود (مجلسی،

۱۴۰۳: ۲۷/۲۶۰). بنابراین، جرایم مستوجب حد را می‌توان از مصادیق اصلی فساد به‌شمار آورد. از آن‌جا که استعداد ارتکاب جرم در انسان وجود دارد و انسان‌ها تمایل دارند نیازهای خود را به‌هر شیوه ممکن (حتی از راه‌های غیرمشروع)، برآورده سازند، با فراهم بودن زمینه، جرم و فساد به‌سادگی در جامعه شیوع پیدا خواهد کرد. وقتی جرمی در جامعه اتفاق می‌افتد، مانند ویروسی است که وارد یک بدن می‌شود. اگر به‌موقع شناسایی و درمان نشود و تدابیری برای کنترل و نابودی آن سنجیده نشود، به‌تمام بدن آسیب رسانده و انسان را با خطر مرگ و نابودی مواجه می‌کند. اجرای مجازات‌های حدی، تدبیری است که شارع مقدس برای پیش‌گیری از شیوع ویروس فساد در جامعه، اندیشیده است. البته بسته به‌میزان دوری یا نزدیکی به‌عوامل و مراکز فساد، حالت‌های سه‌گانه‌ای در مواجهه با فساد در جوامع بشری قابل‌تصور است که هر یک از این حالت‌ها راهکار خاصی را برای تضمین سلامت می‌طلبد:

یکم: جامعه از مرکز و منشأ انحراف دور بوده و افراد در شهری امن و سلامت تنفس کنند. بدون اغراق، این بهترین وضعیتی است که می‌توان برای ارگانیزم تصور کرد؛ چرا که بدون مانع به‌حرکت تکاملی خود ادامه می‌دهد. اما بی‌تفاوتی نسبت به‌آینده و غرور به‌دلیل وضع موجود شیوه عاقلان نیست. مربی‌کاردان و دلسوز برای سلامت فردا هم باید تدبیری بیندیشد.

دوم: محیط زندگی فاسد شده اما عامل و سرچشمه فساد هنوز به‌محیط‌های اطراف سرایت نکرده، مناطقی که در امان باشد می‌توان پیدا کرد. در نتیجه هنوز هم جایی که سالم باشد وجود دارد. سوم: بحران پراکندگی و رواج عوامل فساد تصور گردد، به‌طوری که «به‌هر کجا که روی آسمان همین رنگ است». این وضعیت که بدترین شکل اجتماعی فساد را نشان می‌دهد، به‌تدابیر بسیار ماهرانه نیاز دارد و اگر نه، احدی جان سالم به‌در نخواهد برد.

آن‌چه در باره نقش تشریح مجازات‌ها در پیش‌گیری از جرایم گفته شد، پیش‌گیری در مرحله وضع قوانین کیفری، برای پیش‌گیری از وقوع جرم است. این مرحله در فرضی است که هنوز جرمی اتفاق نیفتاده و فرد و جامعه، هنوز سالم است. آن‌چه درباره نقش اجرای مجازات حدی در پیش‌گیری از شیوع فساد گفته می‌شود، مرحله دوم و احیاناً مرحله سوم است که سلامت جامعه با وقوع جرم و فساد، به‌بیماری مبتلا شده؛ اما برای جلوگیری از پیش‌روی آن در سطح

کل جامعه و یا احیاناً برای نجات جامعه از مرگ حتمی، تدابیری سنجیده می‌شود. در فرض مرحله سوم که اکثریت جامعه به منجلا ب فرورفته، اقداماتی که برای نجات انجام می‌گیرد به درمان شبیه‌تر است تا پیش‌گیری، اما با وجود این همچنان زمینه پیش‌گیری در این مرحله نیز وجود دارد. بنابراین، وقتی در این بخش سخن از نقش اجرای مجازات‌های حدی در پیش‌گیری از فساد، به میان می‌آید، مقصود پیش‌گیری ثانویه است؛ یعنی درست است از شیوع و نفوذ فساد جلوگیری کامل نشده ولی با اجرای مجازات تلاش می‌گردد، فساد موجود کاهش یافته و با مظاهر آن برخورد شود. با توجه به این مطلب، در ادامه، به یکی از ویژگی‌های مجازات‌های حدی، اشاره می‌شود. نقش این دسته مجازات را در پیش‌گیری (پیش‌گیری ثانویه) از شیوع فساد در جامعه، نشان می‌دهد.

### آشکارا اجرا شدن مجازات‌های حدی

یکی از ویژگی‌های اجرای مجازات‌های حدی آن است که به صورت آشکارا اجرا می‌شوند. در روایتی نقل شده که امیرالمؤمنین (ع) مردم را برای مشاهده اجرای حد فرامی‌خواند: **وَ نَادَى فِي النَّاسِ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ أَخْرُجُوا لِيَقَامَ عَلَيَّ هَذَا الرَّجُلِ الْحُدُّ** (کلینی ۱۳۷۵: ۱۸۸/۷)؛ ای مردم، بیرون بیایید تا بر این مرد، حد جاری شود.

در این‌که در اجرای کدام نوع از مجازات‌های حدی، باید مردم حضور داشته باشند، برخی با تتبع به منابع فقهی، به غیر از حد زنا، در حدود هفت مورد (مجازات سَابِ النَّبِيِّ، محارب، ارتداد، لواط، قوادی، شرب خمر و تَبَاش) را بر شمرده‌اند (ابوالحسینی، ۱۳۸۰: ۴۵/۶-۵۸) برای نمونه:

یکی از مواردی که فقها تصریح کرده‌اند مجازات آن به صورت آشکار اجرا شود اجرای حد زنا است. دلیل این مسأله افزون بر روایات متعددی که در این زمینه وارد شده، آیه دوم سوره مبارکه نور است: **الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَدَاِبُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ**؛ به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در [کار] دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید، و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند (حر عاملی،



۱۴۰۹: ۷۶/۱۸ و ۴۵۹). محل شاهد «وَلِيَشْهَدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» است که حضور مؤمنان را برای مشاهده اجرای حد زنا، لازم می‌دانند. چنان‌که برخی فقها استظهار کرده‌اند (وجدانی فخر، ۱۳۸۳: ۹۵/۹). براساس جمله امری یادشده حضور افراد الزامی است. حکمت این اجرای آشکارا، آن است که از اجرای مجازات، نه تنها گناه‌کار عبرت بگیرد، بلکه مجازات او سبب عبرت دیگران هم بشود، زیرا با توجه به بافت زندگی اجتماعی بشر، آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمی‌ماند و به‌جامعه سرایت می‌کند. برای پاک‌سازی باید همان گونه که گناه بر ملا شده، مجازات نیز آشکار انجام شود. به‌این ترتیب، اساس پاسخ این سؤال که: چرا اسلام اجازه می‌دهد آبروی انسانی در جمع بریزد روشن می‌شود؛ زیرا مادامی که گناه آشکار نگردیده و به‌دادگاه اسلامی کشیده نشده است «خداوند ستار العیوب» راضی به‌پرده‌داری نیست، اما پس از اثبات جرم و بیرون افتادن راز از پرده استتار و آلوده شدن جامعه و کم شدن اهمیت گناه، باید به‌گونه‌ای مجازات صورت گیرد که اثرات منفی گناه خنثی شود و عظمت گناه به‌حال نخستین باز گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸۶/۱۴).

در نتیجه، یکی از ویژگی‌های مجازات‌های موجب حد، اجرای علنی این دسته مجازات است که با هدف عبرت‌آموزی افراد جامعه انجام می‌شود. عبرت‌آموزی، روش تربیتی است که انسان با عبور از یک رویداد، از پند نهفته در آن، درس می‌گیرد. به‌تعبیری، با گذر از امور مشهود به‌وجوه نامشهود آن دست می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰). روش عبرت‌آموزی به‌انسان یاد می‌دهد بار خطایی را که دیگران به‌دوش کشیده‌اند، ما چنین باری را به‌دوش نکشیم (باقری، ۱۳۸۵: ۱۵۰). با توجه به‌مفهوم نهفته در روش تربیتی عبرت‌آموزی، خداوند متعال، در اجرای حد زنا از تعبیر «وَلِيَشْهَدَ عَذَابَهُمَا» استفاده می‌کند که مردم با مشاهده مجازات زنا، عبرت بگیرند. وقتی انسان‌ها بدانند با ارتکاب جرم، به‌چنان سرنوشت دردناکی مواجه می‌شوند، مجرمان بالقوه، دیگر هوس ارتکاب جرم نخواهند کرد. اجرای آشکار حدود، نقش بازدارندگی و پیش‌گیری (پیش‌گیری ثانویه) از شیوع فساد و جرم را در سطح جامعه، بازی خواهد کرد. همان گونه در اجرای حد دزدی نیز به‌نقش بازدارندگی و پیش‌گیرانه، اجرای حد سرقت، اشاره شده است: وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءَ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (مائده: ۳۸).

نکال، به فعلی اطلاق می‌شود که با انجام آن دیگری از عملی بازداشته شود (همان: ۵۰۶). بنابراین، هدف از اجرای آشکار مجازات‌های حدی که در آن از روش تربیتی عبرت‌آموزی، استفاده می‌شود، پیش‌گیری از شیوع فساد در سطح جامعه است، گویا اجرای حدود، جامعه را در برابر شیوع انواع فساد بیمه می‌کند و به‌همین دلیل است که در لسان روایات از اجرای حد، به‌بارانی تعبیر شده که در سرزمین خشکیده ببارد: **حَدُّ يَقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَبِيهَا مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَأَيَّامَهَا**؛ برکات حدی که در روی زمین اجرا می‌شود، از چهل شبانه روز باران رحمت بهتر و پاک‌تر است (کلینی ۱۳۷۵: ۱۷۴/۷). تأکید بر علنی بودن مجازات‌ها به‌معنای نفی اختیار دولت اسلامی در انتخاب گزینه‌ی دیگر، براساس مصلحت اهمّ نیست. دولت و نظام اسلامی با بررسی ابعاد و متغیرهای مختلف در زمینه‌ی اجرای مجازات‌ها می‌تواند تصمیم بگیرد، در شرایطی از اجرای علنی آن صرف نظر کند. به‌ویژه اگر با توجه به‌این که در شرایط گسترش بسترها و ابزار اطلاع‌رسانی، اجرای مجازات به‌صورت غیرعلنی هم آثار علنی را دارد؛ زیرا، اجرای هیچ مجازات در همان شکل غیرعلنی هم از افکار عمومی، محرمانه و یا مخفی نمی‌ماند.

## قصاص

مجازات قتل عمد مسلمان در اسلام، قصاص است، اما هدف شارع مقدس از اجرای قصاص در اجتماع چیست و چه آثار تربیتی بر آن مترتب است، باید بررسی گردد.

### ۲/۱. صیانت از حیات و نظم اجتماعی

انسان، موجود اجتماعی است و در زندگی اجتماعی یک سلسله حقوق و تکالیفی از منظر شریعت اسلام مطرح است که گاهی توسط برخی افراد نادیده‌گرفته شده و نسبت به‌آن‌ها تعدی صورت می‌گیرد؛ به‌همین دلیل، برای مقابله با هر گونه فساد و از هم‌گسیختگی زندگی اجتماعی، در فقه اسلامی چارچوب‌ها و مقرراتی برای تأمین حیات اجتماعی سالم و سازنده، تعریف شده است که یکی از آن‌ها مجازات قصاص برای کسانی است که اصلی‌ترین رکن زندگی اجتماعی، یعنی حیات انسان‌ها را نشانه می‌روند.

یکی از ارکان حیات اجتماعی، امنیت جانی اعضای یک جامعه است. عدم وجود امنیت،

می‌تواند مانع تمامی پیشرفت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی بشود و حیات جامعه را با مشکل جدی رو به‌رو کند. به‌همین دلیل هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که نسبت به پدیده قتل، بی‌تفاوت باشد و قوانین و مقرراتی را برای مقابله با آن به‌وجود نیاورده باشد. اگرچه سخن در مورد این‌که بهترین قانون که با اجرای آن بتوان با این پدیده مقابله کرد و لااقل آن را به‌حداقل ممکن رساند، بسیار گفته شده است و ذهن بسیاری از اندیشمندان را به‌خود مشغول کرده است، به‌گونه‌ای که حتی در جهان معاصر نیز، اتفاق نظری در این‌که بهترین قانون برای مقابله با جرم قتل چیست، وجود ندارد. پی در پی شاهد تغییر قوانین مربوط به قتل در کشورهای مختلف هستیم. بنابراین، بهترین مجازات و قانون برای صیانت از حیات انسان‌ها، مجازات‌ها و قوانینی است که ارتکاب جرم قتل را به‌حداقل ممکن کاهش دهد. با این نگاه، تشریح و اجرای قصاص، اگر تنها راه برای به‌حداقل رساندن جرم قتل و سایر جرایم علیه تمامیت جسمانی نباشد، به‌قطع بهترین و حکیمانه‌ترین راه برای این منظور است. اگر بتوان کسی را از قصد کشتن دیگری منصرف نمود، اطمینان‌بخش‌ترین راه آن، تهدید نمودن او به‌مقابله به‌مثل است و الا هر مجازات دیگری ممکن است برای او قابل قبول باشد و او را از قصد خود منصرف نکند. اگر کسی قصد کشتن دیگری را - حتی به‌قیمت جان خود - داشته باشد، نمی‌توان او را با تهدید به مجازات، از قصد خود منصرف کرد. بنابراین، تشریح حق قصاص مهم‌ترین عامل بازدارنده برای ارتکاب جرم برای کسانی است که کشتن دیگران را به‌قصد رسیدن به‌منافع خود، اراده کرده‌اند و به‌طبع، هرگاه که شخص از کشتن دیگری منصرف شود، هم حیات دیگری حفظ خواهد شد و هم حیات خود او که در صورت ارتکاب قتل، از بین می‌رفت (خسروشاهی، ۱۳۸۰: ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴).

در نتیجه، اجرای قصاص، با شرایطی که در فقه بیان شده (بلوغ، عقل، محقون‌الدم بودن مقتول، تساوی در دین و...)، ضامن حیات و نظم اجتماعی است و از همین رو، قصاص در قرآن کریم، مایه حیات جامعه، بیان شده است:

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و برای شما در قصاص، حیات و

زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید (بقره: ۱۷۹).

در این‌که قصاص چگونه می‌تواند از حیات انسان‌ها صیانت کند، روایاتی در ذیل این آیه

شریفه آمده است که مسأله را به خوبی تبیین می‌کند. یکی از این روایات، حدیثی است که از امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه نقل شده است:

السَّيْفُ فَاتِقٌ وَ الدِّينُ رَاتِقٌ، فَالدِّينُ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ السَّيْفُ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ؛ شمشیر شکافنده است و دین به هم آورنده، پس دین، به نکویی امر می‌کند و شمشیر از بدی نهی می‌کند؛ خداوند متعال فرموده است: و برای شما در قصاص، حیات است (آمدی ۱۳۶۶: ۱/۱۲۲).

این روایت شریف، نظم امور جامعه را در سایه حاکمیت ارزش‌های دینی و قوه قهریه که نماد آن شمشیر است معرفی می‌کند. یعنی اگر قدرت بازدارنده مانند شمشیر نباشد که جنایت‌کاران را با آن مجازات کنند، جامعه دچار هرج و مرج می‌شود و انسان‌های بیشتری کشته خواهند شد؛ بنابراین، برای صیانت از حیات انسان‌ها و حفظ نظم و امنیت، مجازات قصاص بهترین و حکیمانه‌ترین راهکاری است که دین برای بشر ارائه کرده است.

شارع مقدس، در ارائه راهکار برای صیانت از حیات و نظم اجتماعی، از روش اصلاحی استفاده کرده است. روش‌های اصلاحی، روش‌های تربیتی‌اند که هدف از آن‌ها، حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند (اعم از رفتار ظاهری یا اموری درونی همچون، تفکرات ناصحیح و ناپسند) است. با توجه نقش بازدارندگی مجازات قصاص که افراد جامعه با مشاهده اجرای قصاص بر قاتل، خواهند آموخت که هر گونه تعدی به جان انسان‌ها، سرنوشت مشابهی را برای آن رقم خواهد زد، دیگر جرأت نمی‌کنند اقدام به قتل کنند. هشدار عمومی ناشی از اجرای قصاص بر قاتل، همان هدف اصلاحی است که برای غلبه بر احساسات سودجویانه و مجرمانه مجرمان بالقوه، از طریق روش تربیتی عبرت‌آموزی توسط شارع حکیم، طراحی شده است.

اتخاذ تدابیر پیچیده در مخفی کردن قتل ارتكابی توسط قاتل به چه معناست؟ آیا جز این است که قاتل از رسوا شدن و در نهایت، مجازات مرگ می‌هراسد؟ قاتلان در تلاشند که جنایات خود را حساب شده‌تر و مخفیانه انجام دهند. این‌ها همه نشان از ترس متخلفان و به‌ویژه قاتلان حرفه‌ای از مجازات، به‌خصوص مجازات اعدام، دارند (طارمی: ۱۳۸۶: ۱۱۸ مهر، ۱۴۷). وقتی اجرای قصاص بر قاتلان حرفه‌ای تا این اندازه رعب‌آور است، برای عموم مردم ترس و بازدارندگی

آن به مراتب قوی‌تر خواهد بود و همین عبرت‌آموزی و ترس ناشی از اجرای قصاص، موجب صیانت از حیات و نظم اجتماعی می‌شود.

### مجازات‌های تعزیری

تعزیرات، یکی از اقسام مجازات‌ها است که برای نقض هنجارهای جامعه، بر مجرمان اجرا می‌شود. در مجازات‌های تعزیری تعیین میزان تعزیر و چگونگی آن از اختیارات و صلاحیت‌های حاکم است تا در شرایط گوناگون جامعه، تصمیمات متناسب را اتخاذ کند و در نهایت سبب تادیب مجرم و پیش‌گیری از تکرار جرم شود. از آن‌جا که تعزیرات قلمرو وسیعی از مجازات‌ها را دربرمی‌گیرد، اجرای این نوع مجازات در جامعه (با توجه به این‌که اختیارات تعیین میزان تعزیر و چگونگی آن به دست حاکم است)، در حاکمیت نظم و قانون و اصلاح و تربیت مجرمان بالفعل و بالقوه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مباحث مهم و جدید در مجازات‌های تعزیری بحث اقسام تعزیرات است که به تعزیرات منصوص و غیر منصوص تقسیم می‌شوند. آثار اجتماعی فراوانی دارد، بحث تعزیرات غیر منصوص است که آیا این نوع تعزیرات نیز در قلمرو تعزیرات قرار می‌گیرند و به لحاظ حکم تابع ادله تعزیرات منصوص اند؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است قبل از هر چیزی مقصود از تعزیرات منصوص و غیر منصوص مشخص شود و سپس در باره الحاق تعزیرات غیر منصوص به منصوص سخن بگوییم.

### الف/۳. تعزیرات منصوص

مقصود از تعزیرات منصوص، آن دسته مجازاتی‌اند که در ادله تعزیرات، به مجازات و نیز جرمی که موجب مجازات تعزیری است، تصریح شده است: *النصوص الخاصة الواردة في موارد مخصوصة الدالة على أن للحاكم التعزير (خویی، ۱۳۷۱: ۱/۳۳۷ و ۳۳۸)*.

بنابراین، تعزیرات منصوص در جایی است که در دلیل، به جرم و مجازات آن اشاره شده است. برای مثال، در روایتی از امام صادق (ع)، در باره رباخواری نقل شده است: *فَإِذَا عَرَفَ تَحْرِيمَهُ حَرَّمَ عَلَيْهِ وَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ فِيهِ الْعُقُوبَةُ*؛ اگر شخص از حرمت رباخواری، آگاهی دارد، ربا بر وی حرام است و برای رباخواری مجازات می‌شود (کلینی ۱۳۷۵: ۱۴۵/۵).

در این روایت هم بر جرم رباخواری و هم بر مجازات آن تصریح شده است. نمونه دیگر از تعزیرات منصوص در جایی است که در ادله اجرای حد به آن اشاره شده است. در مواردی که مجازات موجب حد به دلیل فقدان برخی شرایط قابل اثبات نباشد، تعزیر جایگزین حد، می شود. برای مثال به این روایت توجه کنید: **عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا أَقْطَعُ فِي الدَّعَاةِ الْمُعْلَنَةِ وَ هِيَ الْخُلْسَةُ وَ لَكِنْ أُعَزِّرُهُ؛** ابو بصیر از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) نقل می کند که امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: اگر کسی با تردستی و آشکارا چیزی برباید، من دست او را قطع نمی کنم، بلکه او را تعزیر می کنم (همان: ۲۵۲/۷). در این روایت که در باره اختلاس است، امام (ع)، تعزیر را جایگزین حد کرده است، زیرا یکی از شرایط دزدی موجب حد سرقت، مخفی بودن عمل دزدی است. در این جا به این دلیل که دزدیدن علنی بوده، امام (ع)، تعزیر را جایگزین حد کرده است؛ بنابراین، یکی از مواردی که به تعزیرات اشاره شده (تعزیرات منصوص)، ادله ای است که در باره اجرای حد، بیان شده اند. در میان ادله، مصادیق فراوانی از تعزیرات منصوص، قابل پی گیری اند. برخی با تفحص در ادله مجازات تعزیری، قریب به شصت مورد از مصادیق تعزیرات منصوص را بر شمرده اند (زجاجی و مالمیر: ۱۳۹۸: ۱۵۲/۲۷-۵۴). نتیجه آن که تعزیرات منصوص به مجازات هایی اطلاق می شود (اعم از مقدر و غیر مقدر) که در باره نوع جرم و مجازات آن، نص وارد شده باشد. در مشروعیت این نوع مجازات تعزیری، در میان فقها جای سخن نیست. چنان که از اسمش نیز پیدا است، نصوصی فراوانی در باره مشروعیت و لزوم اجرای آن در جامعه، وارد شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۱/۲۷؛ همان: ۲۸/۶۶، ۸۲، ۸۹، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۷۱، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳).

### ب/ ۳. تعزیرات غیر منصوص

با روشن شدن مفهوم تعزیرات منصوص، تعزیرات غیر منصوص نیز روشن می شود؛ یعنی هر جا که در ادله و نصوص، به جرم و مجازات آن اشاره نشده باشد، از نوع تعزیرات غیر منصوص است (اردبیلی، ۱۴۱۴: ۱۵۶/۱۳). مشروعیت و موارد تعزیرات غیر منصوص، در سه مقوله زیر قابل پی گیری است:

## یکم. انجام محرّمات و ترک واجبات

در مواردی که فرد مرتکب گناهی شود، یعنی فرد مرتکب عمل حرام شود یا یک عمل واجبی را ترک کند، هرچند در نصوص در باره آن مجازاتی گفته نشده، اما به دلیل ارتکاب معصیت، تعزیر می‌شود. البته، در این که با ارتکاب مطلق گناه تعزیر ثابت می‌شود یا با ارتکاب گناهان کبیره، این مسأله مبنایی است؛ بر مبنای برخی فقها مانند صاحب جواهر (رح) گناهان کبیره موجب تعزیر است: هیچ گونه اشکال و اختلافی در بین فقها نیست در این که هر کس کار حرامی کند یا واجبی را ترک کند که از گناهان کبیره شمرده شود، حاکم شرع حق دارد وی را تعزیر کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۸/۴۱).

بر مبنای بعضی دیگر از فقها، ارتکاب مطلق گناهان - اعم از صغیره و کبیره - موجب تعزیر می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۲۳: ۱۴۲/۲؛ اردبیلی، ۱۴۱۴: ۱۶۴/۱۳). داوری میان این دو دیدگاه، از ظرفیت این نوشتار، خارج است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۸/۴۱؛ امام خمینی ۱۴۱۵: ۶۰۷/۲). اما به اجمال می‌توان گفت با توجه به این مطلب که در برخی از روایاتی که در باره تعزیرات منصوص وارد شده، ارتکاب گناهان صغیره نیز موجب تعزیر معرفی شده‌اند، معلوم می‌شود، تعزیر به ارتکاب کبیره اختصاص ندارد که برای نمونه به یک روایت (که به لحاظ سندی نیز معتبر است<sup>۱</sup>) اشاره می‌شود:

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْقُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي سَأَلْتُ رَجُلًا بِوَجْهِ اللَّهِ فَضَرَبَنِي خَمْسَةَ أَسْوَاطٍ فَضَرَبَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَمْسَةَ أُخْرَى وَقَالَ «سَلْ بِوَجْهِكَ اللَّيْمِ»؛ ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: مردی خدمت پیامبر اسلام رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! شخصی را به نام خدا قسم دادم که به من کمک کند. او در پاسخ، پنج ضربه شلاق به من زد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پنج ضربه شلاق بر وی جاری کرد. سپس فرمود: مردم را به روی پست خودت قسم بده» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۱۰).

چنان‌که در این روایت مشاهده می‌شود، پیامبر (ص)، کسی را که به دلیل گدایی، به خدا سوگند داده، تعزیر کرده است، در حالی که عمل آن شخص از گناهان کبیره نیست؛ بنابراین، تعزیر به دلیل ارتکاب حرام، به گناهان کبیره، اختصاص ندارد، بلکه در هر جایی که مفسده‌ای

۱. در باره اعتبار این روایت به لحاظ موردی هم چنان‌که بررسی شده جای تردید نیست (ر.ک: مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۲۲۳/۱۰) و ثانیاً، روایات به این مضمون متعددند و از این جهت مستفیضه‌اند (ر.ک: منتظری ۱۴۰۹: ۲۶۳/۲).

مترتب باشد، حاکم می‌تواند بر مطلق گناه، مجازات تعزیر را اجرا کند.

### دوم. تعزیر برای تضييع حق الناس

یکی از موارد اجرای مجازات‌های تعزیری غیر منصوص، در تضييع حق الناس است. مرحوم محقق اردبیلی، در این زمینه فرموده است: هر چیزی که به اذیت و پایمال شدن حق مسلمان، منجر شود و از مصادیق گناهان مستوجب حد نباشد، در قلمرو مجازات تعزیری قرار می‌گیرد (اردبیلی، ۱۴۱۴: ۱۵۶/۱۳).

در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز آمده است: «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن به جای گذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود».

دلیل این مسأله را از سلسله روایاتی که در باره حق الناس وارد شده می‌توان استنباط کرد که برای نمونه به یک روایت در این زمینه، اشاره می‌شود:

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ سَبَّ رَجُلًا بِغَيْرِ قَذْفٍ يَعْزُضُ بِهِ هَلْ يُجْلَدُ قَالَ عَلَيْهِ تَعْزِيرٌ؛ عبدالرحمان بن ابی عبدالله می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم: مردی شخص دیگری را دشنام می‌دهد (بدون این که قذف کند) آیا حد بر او جاری می‌شود؟ فرمود: نه، بلکه تعزیر می‌شود (کلینی ۱۳۷۵: ۲۴۰/۷).

این روایت که به لحاظ سند صحیح است (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۱۰۴/۱). دشنام دادن را که از حق الناس است، از گناهان موجب تعزیر معرفی می‌کند. از این روایت و امثال آن استنباط می‌شود که مجازات‌های تعزیری منحصر به تعزیرات منصوص نیست بلکه در مطلق گناهان از جمله در گناهانی که موجب تضييع حق الناس می‌شوند نیز اجرا می‌شوند.

### سوم: تعزیرات حکومتی

یکی دیگر از موارد تعزیرات غیر منصوص، تعزیرات حکومتی است. مقصود از تعزیرات حکومتی، مجازات‌هایی است که به وسیله حاکم اسلامی به معنای عام کلمه؛ یعنی پیامبر (ص)، امام معصوم (ع) و در زمان غیبت ولی فقیه یا مجلس قانون‌گذاری (که با رعایت شرایط لازم انتخاب



شده‌اند و به‌عنوان نمایندگان مردم وظیفه قانون‌گذاری را به‌عهده دارند) برای تخلف از اموری وضع می‌شود که مخالفت با آن‌ها بر خلاف مصالح عمومی مملکت است، گرچه ممکن است این امور با عنوان اولی و بالاصاله، حرام شرعی نباشد، مانند قوانین گمرکی، تخلفات راهنمایی و رانندگی، مقررات ورود و خروج کالا از کشور و از این قبیل (انصاری و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹۶).

بنابراین، تعزیرات حکومتی قلمرو وسیعی از تعزیرات غیر منصوص در جامعه را در برمی‌گیرد که تخلف از قوانین حکومتی و ایجاد مفسده و اموری که بر خلاف مصالح عمومی باشد، از شاخص‌های اصلی اجرای این نوع تعزیرات بر متخلفان به‌شمار می‌آیند که سابقه تحریم و یا تحریم در شرع نیز ندارند.

در کلمات فقها، تعزیرات حکومتی با ذکر جزئیات مطرح نشده است؛ اما بحث حفظ نظام و مصالح عمومی و پیش‌گیری از ظلم و دفع فساد در جامعه به‌صورت کلی و عام مطرح شده است (امام خمینی ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۶۲؛ خویی، ۱۳۷۱: ۱/۳۲۷). بدیهی است انجام این امور جز با وضع قوانین فردی و اجتماعی که باید متناسب با تغییر و تحولات در هر زمان جعل شود، امکان‌پذیر نیست. همچنین بدیهی است که اگر متخلفان از مقررات و قوانین، مجازات نشوند، هیچ ضمانت اجرایی برای عمل به‌قوانین موضوعه و اطاعت از احکام حکومتی نیست (انصاری ۱۳۸۵: ۳۰۰).

برای مشروعیت تعزیرات حکومتی ادله متعدد فقهی می‌توان اقامه کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۱) که در جای خودش باید بررسی شود؛ اما مهم‌ترین دلیل مشروعیت تعزیرات حکومتی حکم عقل است. با این توضیح که بحث حفظ نظام و مصالح عمومی جامعه در فرضی قابلیت تحقق را دارد که مقرراتی در جامعه وضع شده و متخلفان مجازات شوند. بنابراین، می‌توان گفت مفساسدی که با اجرای تعزیرات قابل دفع‌اند و نظام زندگی اجتماعی و مصالح عمومی با اجرای این نوع مجازات‌ها تامین می‌شوند، حاکم، به‌حکم عقل، می‌تواند مجازات‌ها را اعمال کند. این‌که فقیهانی مانند صاحب ریاض (رح) (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۱۸/۱۰). شهید اول (رح) (شهید اول، ۱۴۰۰: ۲/۱۴۳)، جواز تعزیر کودکان و مجانین را به‌دلیل قطع فساد در جامعه، مستند می‌کنند، به‌رغم آن‌که فعل ارتكابی آن‌ها معصیت به‌شمار نمی‌آید، در واقع، به همان حکم عقل، تمسک می‌کنند.

## جمع‌بندی مبحث مجازات‌های تعزیری

مجازات‌های تعزیری قلمرو وسیعی را در بر می‌گیرد که در یک تقسیم‌بندی به تعزیرات منصوص و غیر منصوص دسته‌بندی می‌شوند. مقصود از تعزیرات منصوص، تعزیراتی است که در دلیل، به جرم و مجازات آن اشاره شده باشد. اگر چنین نباشد تعزیرات غیر منصوص خواهد بود که در سه مقوله: ۱. انجام محرمات و ترک واجبات؛ ۲. تضییع حق الناس؛ ۳. تعزیرات حکومتی قابل پی‌گیری‌اند. مشروعیت مجازات‌های تعزیری منصوص، به دلیل وجود ادله خاصه در این زمینه جای بحث ندارد. چنان‌که مشروعیت قسم اول و دوم از اقسام تعزیرات غیر منصوص نیز با استناد به ادله عامی که در این زمینه وجود دارد<sup>۱</sup>، قابل اثبات است؛ اما آنچه جای بحث داشت مشروعیت تعزیرات حکومتی بود. مشروعیت این تعزیرات نیز به ادله عامه‌ای در فقه می‌توان تمسک کرد که مهم‌ترین دلیل آن حکم عقل است. که برای حفظ نظام و صیانت از مصالح عمومی جامعه و نیز دفع فساد و ظلم، حاکم اسلامی ناگزیر از اعمال تعزیرات حکومتی است. در نتیجه، اجرای مجازات تعزیری با اقسام مختلفی که دارد یکی از نیازهای جامعه است که برای تامین مصالح و پیش‌گیری از فساد و ناهنجاری‌ها، به اجرا گذاشته می‌شود. نکته مهم در اجرای مجازات تعزیری نسبت به اجتماع، بحث تربیتی این نوع مجازات است. با توجه به نقش تامینی و تادیبی مجازات‌های تعزیری، اجرای این نوع مجازات در جامعه از اهمیت ویژه برخوردار است. در بحث اجرای مجازات‌های تعزیری نسبت به اجتماع و نقش تادیبی و تربیتی آن در جامعه، محورهای مختلفی قابل طرح است. اما اجرای این نوع مجازات نسبت به کودکان متخلف، از مهم‌ترین محورهای این بحث به‌شمار می‌آید که از سویی، بزهکاری کودکان یکی از مسایل مبتلا به جامعه امروزی است و از سوی دیگر وقتی سخن از تادیب و بازپروری توسط اعمال تعزیرات، به میان می‌آید، تحقق‌پذیری این هدف در کودکان به دلیل ظرفیت بالای تربیت‌پذیری در آن‌ها، بیش از دیگر اقشار جامعه است.

## تعزیر کودکان

امروزه پدیده بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مشکلات بزرگ جوامع کنونی جهان است.

---

۱. جواز مجازات مرتکبان عمل حرام و تارکان عمل واجب و جواز مجازات کسانی که حق مردم را پامال می‌کنند.



بنابراین، این پرسش که آیا کودکان تعزیر می‌شوند یا نه، مربوط به کودک ممیز است، نه مطلق کودک. در نتیجه، در اجرای مجازات تعزیری باید بین کودک ممیز و غیر ممیز، تفاوت قایل شویم. حدیث رفع و ادله‌ای که هیچگونه تکلیف و مسؤولیتی را متوجه کودکان نمی‌دانند، ناظر به کودک غیر ممیز است.

موارد تعزیر کودکان: تعزیر کودکان ممیز در سه مورد قابل تصویر است:

الف) ارتکاب جرمی همسان جرایم افراد بالغ: اگر کودک مرتکب جرمی شود که اگر افراد بالغ مرتکب آن می‌شد، مستحق مجازات بودند، در این فرض، کودکان هم مجازات می‌شوند (شهید ثانی، ۱۴۲۳: ۱۴۵/۹). روایاتی نیز در این زمینه وارد شده که مجازات کودک و مجنون را در صورت ارتکاب جرم با شرایطی خاص تجویز می‌کنند (کلینی ۱۳۷۵: ۱۸۰/۷). هدف از اجرای مجازات - از جمله مجازات‌های تعزیری - پیش‌گیری از فساد، اصلاح و بازپروری مرتکبان اعمال ناهنجار است. این هدف در کودکان ممیز نیز قابل تحقق است و بلکه در مجازات‌های تعزیری به دلیل تربیت‌پذیری بالای آن‌ها، از اولویت نیز برخوردار است. اما با این تفاوت که تعزیر کودکان با ارفاق و مدارا و رعایت مصلحت و حال کودک انجام می‌شود.

ب) برای وادار کردن به عبادات: اگر کودک از امور عبادی مانند نماز و روزه، سر باززند، آیا می‌توان او را برای این کار تادیب کرد؟ این بحث در تربیت عبادی کودکان مطرح است. فقها، زدن کودک را به دلیل ترک نماز و روزه در ده‌سالگی مجاز شمرده‌اند:

«پدر و مادر باید فرزند را در هفت یا هشت سالگی تادیب کند و بر ولی کودک است که او را روزه و نماز آموزش دهد و [در صورت سرپیچی] در ده‌سالگی او را بزند (طوسی ۱۴۰۷: ۳۰۵/۱).»  
«بر پدران و مادران واجب است اطفال را بعد از هفت‌سالگی طهارت، نماز و شرایع، آموزش دهند و اگر این امور را ترک کرد، بعد از ده‌سالگی می‌توانند او را بزنند» (علامه حلی، ۱۴۱۹: ۳۱۸/۱).  
بنابراین، تادیب کودک توسط والدین و ولی، در ده‌سالگی مجاز است، ولی باید به‌میزانی نباشد که موجب پرداخت دیه شود (کلپایگانی ۱۴۰۹: ۲۶۶/۱). جای ضربه، نباید سرخ، کبود یا سیاه شود؛ از همین رو گفته شده پنج تا شش ضربه آرام می‌توان زد (همان: ۲۶۷/۳). برخی فرموده‌اند تادیب کودک، به نظر تادیب‌کننده و ولی کودک بستگی دارد. گاهی بیش از ده ضربه

و گاهی کم‌تر از آن لازم است؛ ولی نباید از آن چه مصلحت اقتضا می‌کند و همچنین از مقدار تعزیر شخص بالغ، تجاوز کرد (امام خمینی ۱۴۱۵: ۴۷۷/۲). اصل تادیب کودک از نظر فقها، امر پذیرفته شده است. در میزان و کیفیت آن بهتر است مصلحت کودک رعایت شود و در اجرای تادیب، هدف اصلی آن، که بازپروری و اصلاح کودک است، فراموش نشود. مستند تعزیر و تادیب کودک در عبادات، یک سلسله روایاتی مانند مورد ذیل است:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَ سِتِّ سِنِينَ قُلْتُ فِي كَمْ يُؤْخَذُ بِالصِّيَامِ؟ قَالَ: فِيمَا بَيْنَ خَمْسِ عَشْرَةَ أَوْ أَرْبَعِ عَشْرَةَ؛ معاوية بن وهب می‌گوید از محضر امام صادق (ع) پرسیدم در چه سنی کودک برای نخواندن نماز مؤاخذه می‌شود؟ فرمود: بین شش تا هفت سالگی. در باره روزه نیز پرسیدم، فرمود: در چهارده یا پانزده سالگی (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۴۰۹/۱).

این روایت به لحاظ سند صحیح و به لحاظ مضمونی مستفیض است (مکارم، ۱۴۲۵: ۲۲۳). اما به لحاظ دلالت، از تعبیر «یؤخذ» استفاده شده که مطلق بازخواست را می‌رساند، چون زدن (ضرب) می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد. برخی از روایات ضعیف‌السند می‌تواند مؤید آن باشد که در آن‌ها به زدن (ضرب) تصریح شده است (نوری ۱۴۰۸: ۱۹/۳). یکی از موارد تعزیر و تادیب کودکان، تادیب برای ترک عبادات است.

ج) برای تربیت و ادب‌آموزی: از دیگر موارد، تادیب و تعزیر کودکان، تعزیر برای تربیت و ادب‌آموزی است که برای آشنایی و یادگیری مهارت‌ها و هنجارهای زندگی، کودک تنبیه شود:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَلْقَى صَبِيَانُ الْكِتَابِ الْوَاحَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ لِيُخِيرَ بَيْنَهُمْ فَقَالَ أَمَا أَنْهَا حُكُومَةٌ وَ الْجَوْرُ فِيهَا كَالْجَوْرِ فِي الْحُكْمِ أَلْبَلُغُوا مُعَلِّمَكُمْ إِنْ ضَرَبَكُمْ فَوْقَ ثَلَاثِ ضَرْبَاتٍ فِي الْأَدَبِ أُقْتَصَّ مِنْهُ؛ امام صادق (ع) نقل می‌کند که چند پسر بچه که در مکتب درس می‌خواندند، کارنامه خود را به محضر امیر مؤمنان علی (ع) بردند تا حضرت یکی از آنان را انتخاب کند. حضرت فرمود: آگاه باشید! این کار، حکم صادر کردن (قضاوت کردن) است و ظلم در آن، مانند ظلم در حکم است. به معلم‌تان خبر دهید که اگر برای ادب کردن، به شما بیش از سه ضربه بزنند، قصاص خواهد شد (کلینی ۱۳۷۵: ۲۶۸/۷).

این روایت به لحاظ سند معتبر است و به لحاظ دلالت، تادیب و تعزیر کودک توسط معلم را بیان می‌کند که در مواردی به دلیل مصلحت کودک در غیر از جرایم و امور عبادی، برای تربیت و ادب‌آموزی نیز می‌توان کودک را با زدن تادیب کرد.

جمع‌بندی: تعزیر به معنای مصطلح فقهی و حقوقی آن<sup>۱</sup> تنها در مورد نخست که کودک جرمی همسان با جرایم افراد بالغ مرتکب شود، قابل اطلاق است که در ادبیات فقهی و روایی، اغلب با تعبیر تادیب به کار رفته است و با رعایت حال کودک و مصلحت وی اجرا می‌شود؛ اما کاربرد تعزیر به معنای فقهی و حقوقی آن در دو مورد دیگر (برای وادار کردن به عبادات و برای تربیت و ادب‌آموزی) وجهی ندارد؛ زیرا تخلف از آداب‌آموزی و ترک امور مستحبی (در فرضی که تمرین عبادات برای کودک را مستحب بدانیم)، جرم و معصیت به‌شمار نمی‌آیند تا کودک به‌عنوان مجرم مجازات شود، بلکه زدن تنبیه کودک با آن شرایطی که گفته شده، نوعی تادیب است که با تادیب و تعزیر باب جرایم متفاوت است.

نتیجه آن‌که اجرای مجازات‌های تعزیری به‌طور عام با تادیب همراه‌اند؛ خواه تادیب را در یک معنای کلان، همسان با تربیت تلقی کنیم و خواه تادیب را یکی از روش‌های تربیتی بدانیم که با هدف اصلاح و بازپروری افراد و پیش‌گیری و دفع فساد از جامعه، به کار گرفته می‌شود. البته تعزیر به معنای تادیب در باره کودکان که ظرفیت اصلاح و بازپروری در آن‌ها بیشتر از افراد بالغ است، تجلی و نمود بیشتری دارد که آن هم در فرضی است که تخطی آن‌ها در دایره جرایمی همسان با جرایم افراد بالغ، قرار بگیرد. در غیر آن صورت، تادیب کودکان به‌مثابه یک روش تربیتی (در فرض عدم کارآیی روش‌های دیگر تربیتی) در راستای سعادت و کسب ارزش‌ها، با شرایط خاصی که در فقه بیان شده، کاربرد دارد.

### جمع‌بندی

اجرای مجازات‌های حدی، قصاص و تعزیرات، نسبت به اجتماع در ضمن سه مبحث تحلیل و بررسی شد. در مبحث نخست، نقش مجازات‌های حدی در حفظ نظم و امنیت جامعه و پیش‌گیری از شیوع فساد با استفاده از رویکرد تربیتی، مطرح شد. در مبحث دوم، با استفاده از روش

۱. ارتکاب جرمی همسان جرایم افراد بالغ؛ برای وادار کردن به عبادات و برای تربیت و ادب‌آموزی.

تربیتی عبرت‌آموزی، از تأثیرات اجرای قصاص در صیانت از حیات و نظم اجتماعی سخن گفته شد. در آخرین مبحث، اجرای مجازات‌های تعزیری در راستای حاکمیت نظم و قانون و اصلاح و تربیت مجرمان بالفعل و بالقوه، بررسی شد. در ضمن بحث تعزیرات منصوص و غیر منصوص، به نقش بازدارنده و اصلاحی تعزیرات در تربیت کودکان اشاره شد و این‌که با توجه به معضلات متعدد فراروی تربیت آنان در جهان معاصر، استفاده از تعزیرات به صورت کارشناسی شده می‌تواند در جهت بازدارندگی آنان از بزهکاری، مؤثر واقع شود. جهان کودک، شرایط حساس و لطیفی دارد و از این رو، در استفاده از هر روش باید شرایط ویژه آن‌ها در نظر گرفته شود.

### منابع

۱. ابن بابویه، محمدبن علی (صدوق)، *الخصال*، ترجمه، کوه‌کمره‌ای، نشر کتابچی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲. ابوالحسنی، رحیم، «*اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه حقوق اسلام*»، رواق اندیشه، شماره ۶، اسفند ۱۳۸۰ ش.
۳. اردبیلی، مقدس، احمد، *مجمع الفائده والبرهان*، موسسه نشر اسلامی، قم، چ اول، ۱۴۱۴ ق.؛
۴. اعرافی، علی‌رضا، *درس خارج فقه تربیتی*، قم، ۱۳۸۸/۲/۱۵ ش.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، *تحریرالوسیله*، مترجم: سیفی مازندرانی، علی اکبر سیفی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۶. امام خمینی، سید روح‌الله، *کتاب‌البیع*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۹؛
۷. انصاری، قدرت‌الله و دیگران، *تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا*، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. آمدی، عبدالواحد تمیمی، *غررالحکم و درر الکلم*، مصحح: درایتی، مصطفی، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول: ۱۳۶۶ ش.؛
۹. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه، تهران، چاپ سیزدهم: ۱۳۸۵ ش.
۱۰. بناری، علی همت، «*درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت اسلامی*»، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۷، بهار و تابستان ش ۱۳۹۶.

۱۱. تبریزی، میرزا جواد، *أسس الحدود و التعزیرات*، دفتر مؤلف، قم، چاپ اول ۱۴۱۷ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، چاپ اول: ۱۴۰۹ق.
۱۳. خسروشاهی، قدرت الله، *فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام*، بوستان کتاب، قم، چاپ اول: ۱۳۸۰ش.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، جامعه بغداد، ۱۳۷۱ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین، *المفردات فی غریب القرآن*، دفتر کتاب، قم، چاپ دوم: ۱۴۰۴ق.
۱۶. زجاجی، حمیدرضا. مال میر، محمود، «مطالعة تعزیرات منصوص شرعی در فقه و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ش.
۱۷. شهید اول، محمد، *القواعد و الفوائد*، کتابفروشی مفید، قم، چاپ اول: ۱۴۰۰ق.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین عاملی، *الروضه البهیة*، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول: ۱۴۱۰ق.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین عاملی، *مسالك الافهام*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ ۱۴۲۳ق.
۲۰. طارمی، محمد حسین، «*کاوشی نو در مجازات اعدام*»، معرفت، شماره ۱۱۸، مهر ۱۳۸۶ش.
۲۱. طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل*، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، چاپ اول: ۱۴۱۸ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، به کوشش سید حسن موسوی، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۵. علامه حلی، جعفر بن حسن، *مختلف الشیعة*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم: ۱۴۱۳ق.
۲۶. علامه حلی، جعفر بن حسن، *نهاية الإحكام*، مؤسسه آل البيت (ع) قم، چاپ اول: ۱۴۱۹ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *أصول الكافي*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، اسوه، قم، چاپ سوم: ۱۳۷۵ش.
۲۸. گلپایگانی موسوی، محمد رضا، *مجمع المسائل*، نشر دارالقرآن الکریم، قم، چاپ دوم: ۱۴۰۹ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول: ۱۴۰۳ق.
۳۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرايع الاسلام*، تحقیق: عبدالحسن علی بقال، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم ۱۴۰۸ق.



۳۱. مجلسی اول، محمدتقی، *روضه‌المتقین*، بنیاد فرهنگی کوشانپور، تهران، چاپ ۱۴۰۶ق.
۳۲. معرفت، محمدهادی، *تعليق و تحقيق عن أمهات مسایل القضاء*، (ضمیمه شرح تبصرة المتعلمين أغاضياء عراقی) قم، چاپ اول، بی‌تا.
۳۳. مکارم شیرازی و هم‌کاران، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۴ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، *تعزیر و گستره آن*، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع) قم، چاپ اول: ۱۳۸۳ش.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، *انوارالفقاهة*، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ ۱۴۲۵ق.
۳۶. نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۳۷. نجفی توانا، علی، *نابهنجاری و بزهرکاری کودکان و نوجوانان*، تهران، آموزش و سنجش، ۱۳۸۵ش.
۳۸. نوری، میرزاحسین، *مستدرک الوسائل*، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- وجدانی فخر، قدرت الله، *الجواهر الفخرية*، نشر سماء قلم، قم، ۱۳۸۳ش.